

#### رو ی خط خبر

### سیمین صداقت، گوینده پیش کسوت خبر رادیو، درگذشت



**● گروه هنر:** سیمین صداقت، گوینده پیش‌کسوت خبر رادیو، بامداد پنجشنبه ۱۹ مرداد بر اثر سرطان درگذشت. به گزارش مهر، بابک زاهدی، ناظر پخش اخبار سیما در گفت‌وگو با مهر درباره این گوینده پیش‌کسوت گفت: صداقت حدود سه ماه بود که به دلیل سرطان لوزالمعده در بیمارستان بستری بود و بامداد ۱۹ مرداد، ساعت سه‌ونیم صبح بر اثر سرطان در بیمارستان خاتم‌الانبیا درگذشت. او با اشاره به فراموش‌شدن صداهای ماندگار از سوی سازمان صداوسیما عنوان کرد: این گوینده پیش‌کسوت که سه دهه در رادیو کار کرده است، در سال ۸۸ یازنشته شد، اما اگر صدا یا تصویر ماندگاری یازنشته می‌شود، ما باید او را فراموش کنیم؟ صداقت در مصاحبه‌ای راجع‌به ورودش به حوزه گویندگی گفته است: «مدیر دبیرستان ایران‌دخت تبریز خانم شهبازی بودند و در رادیو کار می‌کردند و من را برای تست به رادیو بردند. مدیر جدیدی به نام آقای نواب‌صفا به رادیو آمده بود که ایشان هم ترانه‌سرا و شاعر بودند. قرار بود یک پسر و دختر را انتخاب و برنامه جوانان را با آنها شروع کنند. این برنامه در تهران چندسالی بود که اجرا می‌شد و می‌خواستند در استان‌ها هم آغاز کنند. وارد رادیو که شدم، دیدم تمام دخترها و پسرهای سطح‌بالای تبریز جمع شده‌اند. بالاخره پشت میکروفن رفتم و نگاهی به متن انداختم و شروع کردم به خواندن. وقتی تمام شد و سرم را بالا کردم دیدم به جای یک نفر که داشت از من تست می‌گرفت، هفت، هشت نفر آقا و خانم ایستاده‌اند. به من گفتند خانم دوباره خودتان را معرفی کنید و بگویید قبلا کار گویندگی انجام داده‌اید یا خیر؟ گفتم الان کلاس دهم هستم و غیر از سخنانی و دکلمه در مدرسه کار دیگری نکرده‌ام. «شرق»، درگذشت این هنرمند را به خانواده او و جامعه هنری کشور تسلیت می‌گوید.

### با اجرای ابوسعید مرضایی و فریدالدلهی شنب‌شنبه‌ها میزبان شاهدانِ خموش می‌شود

**● گروه هنر:** شب‌شنبه‌ها در دوازدهمین تجربه از دوره جدید خود، شنبه ۲۸ مرداد میزبان پرفورمنس موسیقی «شاهدانِ خموش» در سالن تئاتر مستقل تهران خواهد بود. مجموعه برنامه «شب‌شنبه‌ها» هر هفته با رویکرد تجربه‌های متفاوت و گفت‌وگوهای تازه درباره دیدن و شنیدن اجرا می‌شود و در اجرای پیش‌رو میزبان ابوسعید مرضایی و فرید بداللهی خواهد بود. ابوسعید مرضایی، نوازنده سه‌تار و شورانگیز، بیش از ۳۰ سال است که در عرصه موسیقی فعالیت می‌کند و تاکنون سه آلبوم موسیقی منتشر کرده و در ضبط و تدوین آثار استادانی مانند زنده‌باد جلال ذوالفنون و زنده‌یاد همایون خرم همکاری داشته است. فرید بداللهی، نوازنده تنبک و سازهای کوبه‌ای نیز نویسنده سه کتاب آموزشی سازهای کوبه‌ای با نگرشی نو برای سازهای تنبک و کوزه (اودو) است و انتشار آلبوم موسیقی، طراحی و ساخت دو ساز کوبه‌ای جدید و… از فعالیت‌های اوست.

### پروفسور دورتیگه، استاد دانشگاه سوربن ایران، می‌شود

**● گروه هنر:** پروفیسور دورتیگه در روزهای گذشته به تماشای نمایش «زال و رودابه»، به کارگردانی شهناز روستایی نشست. پروفیسور دورتیگه، استاد فلسفه دانشگاه سوربن، شاهنامه‌شناس و نویسنده کتاب «آینه هستی، شعر و واقعیت درباره ایران» پس از تماشای نمایش «زال و رودابه» در تالار محراب، سه دلیل را برای تماشای این نمایش عنوان کرد: نکته اول این است که حدود سه سال در مورد تأثیر بخش‌های شاهنامه در ابتدای قرن ۲۰ در مورد ایران تحقیق می‌کنم. به‌همین‌دلیل دیدن این نمایش برایم بسیار جالب بود. نکته بعد این است که به دنبال روشی هستم تا تأثیر حماسه ایرانی را در وجود انسان‌ها و زندگی مردم نشان دهم و در آخر معتقد هستم که بدون نکوداشت شاهنامه، ایران، ایران نمی‌شود و شاهنامه باید پاس داشته شود. دورتیگه در پاسخ به این سؤال که او شاهنامه‌شناس است و قاعداً باید در مورد داستان زال و رودابه هم اطلاعات و اشراف کامل داشته باشد و از آنجایی که در این نمایش دو بازیگر ۱۱ نقش (شخصیت) را بازی کرده و نمایش به زبان فارسی است، آیا شخصیت‌های نمایش و احساسشان برای او گویا و قابل درک بود، بیان کرد: من توانستم نمایش را درک کنم و متوجه داستان‌شدم؛ به این دلیل که توانایی بازیگران در انتقال حس به تماشاگران از طریق میمیک صورت و صدا بسیار مشهود بود و نقش‌ها را با تغییر صدا به بهترین شکل بازی می‌کردند؛ چیزی که در اروپا آن را «ایرا» می‌نامند.

رضا آشفته: نمایش «رایبسنون و کروزو»، کاری از مرکز علمی- کاربردی فرهنگ و هنر تبریز با مشارکت گروه تئاتر آینا تبریز را در فستیوال بین‌المللی تئاتر دانشگاهیان کستنبورگ در کشور بوسنی و هرزگوین اجرا و از آنجا به فستیوال بین‌المللی کاسپین قزاقستان دعوت شد. فستیوال بین‌المللی تئاتر کاسپین هفته اول شهریورماه برگزار خواهد شد و این گروه به‌خاطر موفقیت‌های بین‌المللی‌ای که کسب کرده به صورت ویژه به این فستیوال دعوت شده است. این نمایش که به نویسندگی نینا دینترونا/جیاکومو رواجیو و دراماتوزی هومن جلالی از سوی گروه تئاتر آینا تولید و برای حضور در فستیوال بین‌المللی تئاتر دانشگاهیان جهان در کشور بوسنی و هرزگوین از طرف مرکز دانشگاهی علمی-کاربردی فرهنگ و هنر تبریز و به نمایندگی از طرف کشور جمهوری اسلامی ایران اعزام شده بود، موفق به کسب لوح زرین فستیوال در بخش پیام و موضوع شد و همچنین بازیگران این نمایش از طرف هیئت زوری تماشاگران موفق به کسب تندیس فستیوال شدند. در این نمایش علی فتوحی و رشاد معینی به ابفای نقش پرداختند و با استقبال و تشویق مخاطبان و هیئت داروان مواجه شدند. در روز اختتامیه فستیوال، این نمایش به‌عنوان سفیر صلح و دوستی ملقب شد و پیام ضد جنگ این نمایش از نظر هیئت داروان شایسته دریافت لوح زرین فستیوال بین‌المللی کستنبورگ شد. مرکز علمی-کاربردی فرهنگ و هنر تبریز در اولین حضور بین‌المللی خود گام محکمی رو به جلو برداشت و توانست با استفاده از پتانسیل موجود خود نماینده شایسته تئاتر کشورمان در این فستیوال باشد. این کارگردان شهیر ایرانی- آلمانی پیش از این با حضور در شهر تبریز و همکاری با گروه تئاتر آینا و تولید دو اثر موفق روبیسون و کروزو و «خدای کشتار» تأثیر مثبتی در تئاتر شهر تبریز داشت. کوشک جلالی این روزها نمایش «سیستم گرون‌هلم» را برای چندمین‌بار در تهران با بازی الهام پناه‌نژاد، سینا رازانی، امیرحسین رستمی و رضا مولایی در تالار پایتخت اجرا کرد. با او درباره این دو نمایش نسبتاً موفق گفت‌وگو کرده‌ایم:

### دقیقا کدام اجرائیات از رایبسنون و کروزو در بوسنی و هرزگوین برنده جایزه شده و بازتاب آن چه بوده است؟

اجرای گروه تبریز بود که این نمایش در کاشان و آلمان هم اجرا شده است. اول اینکه بعد از بوسنی، این‌بار قرار است این نمایش در فستیوال قزاقستان اجرا شود و من همچنان برای برگزاری مجدد ورک‌شاپ بازیگری و همچنین تولید اثر دیگری در شهر تبریز اعلام آمادگی کرده‌ام.

● چه عواملی باعث می‌شود تا یک اجرا بتواند

بارها تداوم داشته باشد؟

این خاصیت تمام آثار برجسته کلاسیک است.

### یعنی در آثار کلاسیک چه مؤلفه‌هایی دوام و بقایشان را رقم می‌زند؟

متونی که انگشت روی حادترین مسائل بشری می‌گذارند و با شیوه‌های مدرن آن را کالبدشکافی می‌کنند جاودانه‌اند. اودپ شهربار، آنتیگونه، هاملت، خسیس، خدای کشتار، در انتظار گودو، سیستیم گرون‌هلم، روبیسون و کروزو و… در هر دوره و مکانی برای بیننده جذاب است، البته اگر با اجرای درخوری پیاده شوند.

● بنابراین اجرا به متن اصالت می‌بخشد؟ مقوله‌هایی از جنس: عشق، حسادت، انتقام، ریشه‌های قدرت فردی، سیاسی، اجتماعی، ریشه‌های جنگ، کنکاش در زوایای روح بشری و به زیر دره‌بین‌بردن خلقیات مضحک انسان‌ها، دیالوگ بین انسان‌ها و اگر برداشت درستی از متن انجام گیرد، قطعا در برهه خاصی می‌تواند، تأثیر شگفتی بیافریند.

● درباره سیستم گرون‌هلم هم بگویید: چرا

چندباره کارش کرده‌اید؟ گالچران، نویسنده اسپانیایی، با این اثر که ترکیبی است از درام، کمدی و نمایش روان‌کاوانه جنایی، مشکل روز بسیاری از کشورهای جهان (بی‌کاری) را با خشونت تمام و درعین‌حال بسیار مفرح، به تصویر می‌کشد. در ضمن باید یادآوری کنم که متأسفانه با این‌گونه روابط و افراد در جامعه خودمان زیاد برخورد

## هنر



## گفت‌وگو با علیرضا کوشک جلالی، کارگردان

# سفیران صلح

داشته‌ام. مسئله قدرت، رقابت کور، طرز تفکر ماکیاولی «توجه به نوع وسیله برای رسیدن به قدرت» و… امیدوارم «سیستم گرون‌هلم» آینه‌ای شده باشد برای دیدن خودمان!

به‌جالش‌کشیدن هویت انسان «پست‌مدرن» در لحظه‌لحظه نمایش به چشم می‌خورد و ما شاهد مسائترین پرده‌هایی هستیم که روح این افراد را در خود پوشانده است. این قصه روشن‌ش که از نظر دراماتوزی بسیار منطقی پایه‌ریزی شده است، طوری طراحی شده که تماشاچیان را تا آخرین لحظه در هیجان غریبی غرق می‌کند.

قصه بسیار ساده است: چهار نفر متقاضی یک شغل بسیار مهم در یک کنسرت گرد‌کلفت جهانی چندملیتی هستند. ما شاهد آخرین مصاحبه مسئولان این کنسرت با این چهار نفر هستیم؛ مصاحبه‌ای کاملاً غیرمتعارف با «سیستم گرون‌هلم» که با شیوه‌های روان‌کاوانه آیزورد و تحقیرکننده، پرده از روی تمام رازها، ضعف‌ها و به‌طورکلی زندگی شخصی کاندیداها برمی‌دارد.

در این نشست ما شاهد این هستیم که چهار انسان کاملاً متفاوت برای رسیدن به هدف مادی‌شان حاضر به نابودی تمام ارزش‌های معنوی خود و دیگران هستند. به یکدیگر به شکل رقیبی سرسخت می‌نگرند و برای تصاحب این شغل برزرق‌وبرق، تن به هر خفتی می‌دهند و بسان گرگ‌های وحشی، با زیرپناهندن تمام معیارهای اخلاقی و انسانی به جان هم می‌افتند.

● چرا در اروپا بخش وسیعی از مردم به دیدن نمایش‌های شکسپیر، جخوف، برشت، گولدونی، مولیر و… می‌روند، اما تماشاچیان این‌گونه نمایش‌ها در ایران روبه‌رؤز خاص‌تر می‌شوند؟ آیا نباید شک کرد که واقعا

یک برنامه شوم هدفمند در راه دورکردن مردم عادی از هنر و ادبیات و… مدت‌هاست که بر جامعه ما سایه افکنده؟

## گزارش «شرق» از جشنواره بین‌المللی تئاتر آوینیون

## شوالیه‌های تئاتر در «شب‌های آوینیون»



و به خاک خشک گوگل رسانده تا آدرس اتاقی را که رزرو کرده بودم، پیدا کنم. موبایل به‌دست از ذوق رسیدن به تخته‌خوابی که تا یک ساعت دیگر در آن غرق خواهم شد، گام‌هایم را مبصم کرد تا هرچه‌سرخی‌تر مسیر را طی کنم. آوینیون یک شهر تاریخی با معماری دست‌نخورده از «قرون وسطا» است که دیوارهای بلند و طویلی دورتادور این شهر را احاطه کرده است. انکار وسط تاریخ در حال قدم‌زدن بودم و خانه‌هایی را می‌دیدم که چندصدسال دست نخورده بودند. همه‌جا خلوت بود، ولی مطمئن بودم که در «شب‌های آوینیون» یک تکه زمین خالی برای نشستن پیدا نخواهد شد! نقشه مرا به سمت بل طولیی هدایت کرد که در زیر آن رود دوشاخه «رون» جاری بود. صبح دل‌انگیزی بود و «سپ تازه‌رژدشده آسمان» مرا وسوسه کرد تا گازی با دوربینی که همراه داشتم بر آن بنرم. یک دوربین کوچک که چند ماهی از جنوب آسیا تا غرب اروپا همراه و یاور من است، اتاق من خیلی دور از مرکز شهر نبود. آنه و همسر مهرباش با لبخندی شیرین و قهوه‌ای تلخ من را به اتاقی راهنمایی کردند که یک هفته مال من خواهد بود. قبل از خواب، ایمیلی به برنامه‌ریز جشنواره زدم تا خبر رسیدنم را اعلام کنم. هوا دمدار بود، اما خنکی روبالشی، چشمان‌نیمه‌باز مرا آرام‌روزی هم گذاشت. آخرین صدایی که قبل از خواب به یاد دارم، غرش پره‌های پنکاهی بود که بال‌هایش را برای پرواز به «دیار پادشاه هفتم» به‌سویم باز کرده بود.

حالا دم غروب است و دیگر خوابم دم کشیده و من سرحال و قبقاق در حال قدم‌زدن در بافت قدیمی آوینیون هستم. فضای شهر شگفت‌انگیز و مثال‌زدنی است؛ تمام مسیری که صبح پرند در آن پر نمی‌زد حالا از پوستره‌ای تبلیغاتی مثل دوران انتخابات پر شده است. صدای رقص و پایکوبی به گوش می‌رسد. به قلب شهر نزدیک می‌شوم. در هر گوشه‌وکناری گروهی را می‌بینم که در حال بازی با پایکوبی هستند. گاهی سزیرین و قهوه‌ای تلخ من را به اتاقی راهنمایی کردند که یک هفته مال من خواهد بود. قبل از خواب، ایمیلی به برنامه‌ریز جشنواره زدم تا خبر رسیدنم را اعلام کنم. هوا دمدار بود، اما خنکی روبالشی، چشمان‌نیمه‌باز مرا آرام‌روزی هم گذاشت. آخرین صدایی که قبل از خواب به یاد دارم، غرش پره‌های پنکاهی بود که بال‌هایش را برای پرواز به «دیار پادشاه هفتم» به‌سویم باز کرده بود.

حالا دم غروب است و دیگر خوابم دم کشیده و من سرحال و قبقاق در حال قدم‌زدن در بافت قدیمی آوینیون هستم. فضای شهر شگفت‌انگیز و مثال‌زدنی است؛ تمام مسیری که صبح پرند در آن پر نمی‌زد حالا از پوستره‌ای تبلیغاتی مثل دوران انتخابات پر شده است. صدای رقص و پایکوبی به گوش می‌رسد. به قلب شهر نزدیک می‌شوم. در هر گوشه‌وکناری گروهی را می‌بینم که در حال بازی با پایکوبی هستند. گاهی سزیرین و قهوه‌ای تلخ من را به اتاقی راهنمایی کردند که یک هفته مال من خواهد بود. قبل از خواب، ایمیلی به برنامه‌ریز جشنواره زدم تا خبر رسیدنم را اعلام کنم. هوا دمدار بود، اما خنکی روبالشی، چشمان‌نیمه‌باز مرا آرام‌روزی هم گذاشت. آخرین صدایی که قبل از خواب به یاد دارم، غرش پره‌های پنکاهی بود که بال‌هایش را برای پرواز به «دیار پادشاه هفتم» به‌سویم باز کرده بود.

جذابیت قصه زمانی بیشتر می‌شود که متوجه می‌شویم یکی از این‌ چهار نفر، کارمند این کنسرت است و وظیفه سه نفر دیگر شناسایی این فرد است. اینکه آیا این مسئله واقعیت دارد یا نه و اگر واقعیت دارد، کدامیک از این چهار نفر کارمند شرکت است، تقریباً تا به انتها روشن نمی‌شود. ما شاهد این جریانیم که چهار کاندیدای رسیدن به پست ریاست کنسرت جهانی، این انسان‌های مدرن و متمدن، به مرور تبدیل به لاشخورهایی درنده‌خو می‌شوند.

ترکیب لحظات آیزورد، کمیک، گروتسک و تراژیک، باعث فرودوفرزاهای بی‌شمار و خلق شرایط بی‌نظیری می‌شود که گاه از شدت خنده تماشاچیان را به گریه می‌اندازد.

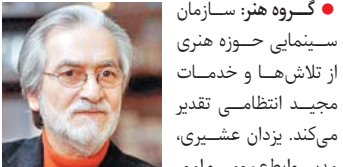
● نکته پایانی؟

در پایان باید بگویم که پس از سال‌ها کار در ایران و آلمان، به‌وضوح کمبود تئاتر مردمی را در کشورمان حس می‌کنم. تئاتر مردمی، تئاتری است که با کل مردم ارتباط برقرار می‌کند؛ از روشنفکران گرفته تا مردم عادی. این نوع کارها در ایران متأسفانه خیلی کم و محدودند و شاید فقط بتوان گفت که در دوران قدیم تئاتر روحوضی و تعزیه بوده که چنین خصوصیتی داشته که توده مردم را جذب می‌کرده، درحالی‌که تئاتر مدرن ما این خصوصیّت را ندارد. «خدای کشتار» هم از این جنس است. وقتی آن را می‌خوانید، می‌بینید که هم یک بچه کوچک و هم یک سوپروشنفکر می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. نمایش نامه‌های «سیستم گرون‌هلم» و «رایبسنون و کروزو» هم همین ویژگی را دارا هستند. البته کارگردان‌هایی در ایران هستند که به این نوع تئاتر توجه دارند. اما تعدادشان اندک است. ایران مهم نمایش «سوپروشنفکرانه» است.

تئاتر ایران دچار سونامی وحشتناکی شده است و تئاتر از توده مردم روزبه‌روز دورتر می‌شود و این به آن معناست که توده مردم خوراک فرهنگی مناسب پیدا نمی‌کنند. نمایش‌های ما تقریباً دوتکه شده است: یا تئاترهای بی‌محتوا که فقط برای سرگرمی تماشاچی است یا تئاترهایی سوپروشنفکری که ادعای «پست‌مدرنیسم» دارند. مردم عادی پس از پنج‌دقیقه از تماشای این‌گونه تئاترهای به‌اصطلاح «پست‌مدرن»، از جای خود بلند شده و از سالن اجرا خارج می‌شوند و به «جنگ‌ها» و تئاترهای «گلریزی» پناه می‌برند.

چرا در اروپا بخش وسیعی از مردم به دیدن نمایش‌های شکسپیر، جخوف، برشت، گولدونی، مولیر و… می‌روند، اما تماشاچیان این‌گونه نمایش‌ها در ایران روبه‌رؤز خاص‌تر می‌شوند؟ آیا نباید شک کرد که واقعا یک برنامه شوم هدفمند در راه دورکردن مردم عادی از هنر و ادبیات و… مدت‌هاست که بر جامعه ما سایه افکنده؟

## بزرگداشت مجید انتظامی



به کارگردانی «ساتاشی میاگی» از ژاپن است که جشنواره خیلی به حضور آن می‌یابد. ساعت یک شب این نمایش به پایان رسید. در مسیر بازگشت با خودم فکر کردم که اگر اسم نمایش «ادیپ شهریار» بود چه فرقی در اجرای آن می‌توانست داشته باشد. کاری آشفته و قوام نیافته که از لحاظ دراماتوزی چیز تازه‌ای به‌جز ژاپنی‌بودن به همراه نداشت؛ اما گروه کر و نوازندگان با سازهای بادی و کوبه‌ای، رتم ظاهری و خوبی را به وجود آورده بودند که بیشتر زحمت آهنگ‌ساز و بازیگران کار بود تا کارگردان آن! روز دوم پای پیاده یک ماراتن ۱۵کیلومتری برای رسیدن به یک سالن تئاتر خارج از شهر انجام دادم. تمام روزم برای دیدن این اجرا هدر رفت. نمایش به کارگردانی «فرانک کاستروف» آلمانی که همین چند وقت پیش در برلین با قهر از تئاتر «صحنه مردم – Volksbühne» بیرون رفت و حالا با کار جدیدی در «هفتادویکمین جشنواره آوینیون»، با توجه رسانه‌ها مواجه شده است. کار جدید او، اقتباسی است از «میخائیل بولگاکف» راجع به زندگی پرافت‌وخیز نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی مولیر. اجرای این نمایش شش ساعت طول کشید.

سال‌ها پیش با کارهای قبلی این «کارگردان شیفته دوربین» در برلین آشنا شده بودم که علاقه شدیدی به «ادبیات غنی روسی» دارد و تنها کاری که انجام می‌دهد، این است که چند فیلم‌بردار را دنبال بازیگران راه می‌اندازد. حضور دوربین و میزانش‌های داده‌شده این نمایش، با توجه به بازی‌های درخشان، نورپردازی و صحنه‌آرایی خوب، شبیه همان کارهای پیشین او خسته‌کننده نبود. بعد از اجرای نمایش، یاد جمله کوتاهی از کارگردان بزرگ آلمان «پیتر اشتاین – Peter Stein» افتادم که می‌گفت: «تئاتر قرار نیست ویدئو باشد.» ۲۰ نمایشی که در روزهای اقامتم در آوینیون دیدم، چنگی به دل نداشت؛ اما تعداد انگشت‌شماری نمایش بودند که با اتکا بر زبان بدن، از قوام خوبی در اجرا برخوردار بودند که در میان آنها نمایش‌های «چسن» از اسپانیا و «جانوران صحنه» از ایتالیا را می‌توان نام برد. یک نمایش کودک نیز به نام «غم و شادی در زندگی زرافه‌ها»، نوشته نمایش‌نامه‌نویس مدرن پرتغالی «تیاگو رودریگزو»، یکی از کارهای خوب جشنواره بود که البته با چاشنی سیاسی، بیشتر به درد مخاطبان بزرگسال می‌خورد تا کودکان؛ فرانسوی‌ها عاشق زبان مادری خود هستند؛ طوری که گاهی اوقات فراموش می‌کنند که سال‌هاست زبان رسمی جهان، انگلیسی شده است.

به همین علت، تمام نمایش‌های اجراشده یا فرانسوی‌زبان بود یا زیرنویس فرانسوی داشت. نکته گفتمی می‌شود این یکی از سیاست‌های پنهان فرانسوی‌ها برای احیای بیشتر زبان مادری خود است که این تصمیم برای یک جشنواره بین‌المللی، کمی ناپخته به نظر می‌رسد. اگر واقعا وسوسه رقتن به جشنواره آوینیون به سرتان زده، بهتر است زبان فرانسوی یاد بگیرید وگرنه دیگران ناظر نمایشی از شما در برنامه جشنواره خواهند بود که ترکیبی از حرکات ایمایی و زبان بدنی شماسنت که گاه برای ارتباط برقرارکردن بیچ‌وپیچ‌وپیچ‌وپیچ‌وپیچ عجبیسی به بدنتان بدهید؛ اما آنچه که این رویداد هنری را زیبا و بی‌همتا کرده است، همان سرزنده‌بودن شهر است که به همراه تاترهای خیابانی و برنامه‌های گوناگون، ریتمی نو و نشاطی عجیب به زندگی مردم و میهمانان جشنواره می‌دهد. غروب‌های آوینیون زمانی که آفتاب، شب‌کلاه نارنجی خود را بر سر می‌گذارد و به دیدار مهتاب می‌رود؛ شوالیه‌های تئاتر از خواب بیدار شده و مشعل به دست، به استقبال تماشاچیان و میهمانان خود می‌روند.

#### زیر آسمان فیروزهای

### آلبوم موسیقی «هترا» منتشر شد



● اولین آلبوم رسمی گروه موسیقی «هترا» با عنوان «هترا (شمش)» به همت «نشر و پخش جوان» منتشر شد. این در حالی است که هم‌زمان با نشر اثر، می‌توان آن را از طریق سایت‌های «بیپ‌تونز» و «ریتمو»، به صورت قانونی و آنلاین خریداری کرد. اولین آلبوم رسمی گروه «هترا»، مشتمل بر هشت قطعه به نام‌های «پیدایش»، «سپیده‌دم»، «درخشش»، «تعادل»، «ساعت سایه‌ها»، «کوهی در غرب»، «جهان زرین» و «بازگشت»، ساخته و پرداخته شده است. این آلبوم روایت‌کننده یک روز کامل خدای خورشید (شمش) است؛ به هنگام سپیده‌دم، شمش خدای خورشید سوار بر اربه زربشن از دروازه آسمان بر کوهی در شرق پدیدار می‌شود. او پروتو درخشان خود را بر همه موجودات زمینی می‌افکند و تاریکی و بدی را می‌زداید. او همان نیرویی در نور است که راستی را آشکار می‌کند. به همین دلیل او در میان خدایان و انسان‌ها به‌عنوان نگهبان عدالت و برابری شناخته می‌شود. شمش سفر خود را در آسمان بی می‌گیرد و هنگامی که از میانه آسمان گذر می‌کند، سایه‌ها بر روی زمین بلندتر می‌شوند و تاریکی هر لحظه نمایان‌تر می‌شود تا هنگام غروب که او وارد دروازه غربی آسمان می‌شود و زمین را ترک می‌کند. این دروازه از سوی موجودات دهشتناکی که نمی‌توان انسان و نیمی‌کردم هستند، پاسداری می‌شود. آنها وظیفه دارند تا دروازه را برای شمش بکشایند و پس از عبور او ببینند و به مسافران درباره خطرات نهان پشت این دروازه هشدار دهند. در پس این دروازه، جهان زرین یا سرزمین بی‌بازگشت قرار گرفته است. جهان زرین، تاریک، پر از گردوخاک و نامطبوع است، همه مردگان در آنجا سرگرداند و دنبال آب می‌گردند؛ اما تنها چیزی که برای خوردن می‌یابند، خاک است. شمش به جهان زرین می‌رود تا سرنوشته مردگان را تکمیل کند. سپس دوباره هنگام سپیده‌دم، او به زمین برمی‌گردد تا بلندی‌ها را روشن کند. شمش هر روز و هر شب این سفر بی‌پایان را ادامه می‌دهد. گروه موسیقی «هترا» از سال ۱۳۹۳ در کنار هم مشغول به کار و ضبط آلبوم «هترا (شمش)» هستند و صادق‌کیا (نوازنده تیتبور)، امیرضا خاکباز (نوازنده سازهای کوبه‌ای)، فرشاد پاسدار (نوازنده گیتارالکتیک)، کیان حجازی (نوازنده گیتاریس)، هومن منصوری (نوازنده کیبورد) و آروین مقصودلو (صداسازی)، اعضای اجرانکننده این اثر را تشکیل می‌دهند. همچنین تهیه‌کننده این کار، «کیان حجازی» بوده و «نشر و پخش جوان» به مدیریت «نیم‌ا جوان»، توزیع آن را بر عهده داشته است.

### بزرگداشت مجید انتظامی

● گروه هنر: سازمان سینمایی حوزه هنری از تلاش‌ها و خدمات مجید انتظامی تقدیر می‌کند. یزادن عشیری، مدیر روابطعمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری گفت: مراسم بزرگداشت مجید انتظامی روز سه‌شنبه، ۲۴ مرداد با حضور هنرمندان، سینماگران، مدیران فرهنگی و اهالی رسانه در تالار سوره حوزه هنری برگزار می‌شود. او ادامه داد: این حرکت به پاس خدمات ارزنده و خلاقیت‌های ماندگار وی در جهت پاسداشت کارنامه درخشان و غنی مجید انتظامی و حضور و جایگاه تأثیرگذار وی در عرصه موسیقی سینما، به‌ویژه، سینمای انقلاب و دفاع مقدس طراحی شده است. به گفته او، مجید انتظامی در سینمای ایران تنها یک نام و یک کارنامه نیست. ملودی‌های وی، صدای مردمان یک سرزمین است؛ صدای عشق، اعتقاد و باور آنها. حضور او در سینمای ایران، یک‌شناسانی از نور، شور، خلاقیت و خاطره آفریده است و سازمان سینمایی حوزه هنری به پاس این حضور درخشان و این اثرگذاری ماندگار فضایی را فراهم می‌کند تا از چندین دهه تلاش و خلاقیت مجاهدانه این هنرمند قدردانی کند. مدیر روابطعمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری تاکید کرد: این هنرمند خلاق تاریخ معاصر را با تمام روح و جان خویش در تاروپود ملودی‌ها، نغمه‌ها و قطعه‌های موسیقی درهم‌تنیده و پژواک هوش و جسارتش در لایه‌لایه ذهن و ضمیر سینما دوستان و عاشقان هنر این دیار خانه کرده است.

### گنجشک اشی‌مشی در فنی‌زاده

● گروه هنر: رسول نجفیان و علیرضا حنفی، روز جمعه ۲۰ مرداد، رنگ انتاحیه نمایش «گنجشک اشی‌مشی» را به کارگردانی علی حاجیلو به صدا درآوردند. «گنجشک اشی‌مشی» نوشته محسن عظیمی، به کارگردانی علی حاجیلو، از جمعه ۲۰ مرداد ساعت ۱۸ در سالن استاد پرستویی روی صحنه رفته است. «گنجشک اشی‌مشی» قصه مردی است که به‌خاطر هرزگی‌هایش، همه چیز خود را از دست داده و به کارتن‌خواب رسیده است. او در دشتش با زنش، دخترش و معشوقه‌اش روبه‌رو می‌شود و… . رضا آشفته، دراماتوزی نمایش و محمود ساعی بازیگردانی آن را بر عهده دارند. سعید عظیمی، الهام اصغری، دنیا گفتاری، محدثه نونایی و زهرا صفری در این نمایش ایفای نقش می‌کنند.